t.me/DaneshSad

گنج حکمت: تجسم عشق

آنگاه برزیگری گفت:«با ما از «کار» سخن بگو». و او در پاسخ گفت:«من به شما می گویم که زندگی، به راستی تاریکی است؛ مگر آنگه شوقی باشد، و شوق همیشه کور است؛ مگر آنگه دانشی باشد، و دانش همیشه بیهوده است؛ مگر آنگه کاری باشد، و کار همیشه تهی است؛ مگر آنگه مهری باشد. شما را اگر توان نباشد که کار خود به عشق درآمیزید، و پیوسته بار وظیفه ای را بی رغبت به دوش کشید، زنهار، دست از کار بشویید؛ زیرا آن که با بی میلی، خمیری در تنور نهد، نان تلخی واستاندکه انسان را تنها نیمه سیر کند. کار، تجسم عشق است»!

«پیامبر و دیوانه، جبران خلیل جبران ترجمه نجف دریابندری»

قلمرو زبانی: برزیگر: دهقان، کشاورز / تهی: خالی / مِهر: محبت / رغبت: میل، اراده / واستاند: دریافت می کند / تجسّم: در نظر آوردن، خیال را به واقعیّت درآوردن.

قلمرو ادبی: شوق همیشه کور است: تشخیص، کنایه از کامل نیست / بار وظیفه: تشبیه / بار بر دوش کشیدن: کنایه از انجام وظیفه / دست از کار شستن: کنایه از ترک کار

قلمرو فکری: روزی کشاورزی گفت: «از کار برایمان بگو.» و او پاسخ داد: «زندگی در حقیقت تاریک است، مگر آن‌که همراه با شوق باشد. اما شوق هم کور است، مگر آن‌که با دانش همراه شود. دانش هم بیهوده است، مگر آن‌که به کار انجامد. و کار نیز خالی است، مگر آن‌که با عشق آمیخته شود.

اگر نتوانید کارتان را با عشق انجام دهید و همیشه وظیفه‌ای را بی‌میلی بر دوش کشید، بهتر است اصلاً کار نکنید؛ چراکه کسی که بی‌میل و بی‌علاقه خمیر در تنور می‌گذارد، نانی تلخ بیرون می‌آورد که تنها نیمی از شکم انسان را سیر می‌کند. کار، تجسم عشق است.»

درس هجدهم: خوان عدل

شرق از آن خداست - غرب از آن خداست - و سرزمین های شمال و جنوب نیز - آسوده در دستان خداست.

قلمرو زبانی: نکات دستوری: شرق: نهاد/ از آنِ خدا: گروه متممی در نقش مسند ← (از: حرف اضافه، آنِ (ضمیر ملکی): متمم/ خدا: مضاف‌الیه)/ است: فعل اسنادی/ غرب: نهاد/ از آنِ خدا: گروه متممی در نقش مسند ← (از: حرف اضافه،آنِ (ضمیر ملکی): متمم/ خدا: مضاف‌الیه)/ است: فعل اسنادی / سرزمین ها: نهاد/ شمال: مضاف‌الیه/ و: حرف عطف/ جنوب: معطوف به مضاف‌الیه/ نیز: قید/آسوده: قید/ در دستان خدا:گروه متممی در نقش مسند/ خدا: مضاف‌الیه/ است: فعل اسنادی

قلمرو ادبی: در دستان خدا بودن: کنایه از تحت فرمان خدا بودن/ سرزمین های شمال و جنوب: مجاز از کل جهان / دست: مجاز از قدرت، توانایی/ واج‌آرایی: تکرار صامت «س»

قلمرو فکری: تمام جهان از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، مُلک خداوند است و تحتِ قدرت او قرار دارند.

(مفهوم: مالکیت و قدرت خداوند)

اوست که عادل مطلق است - و خوان عدل خود را بر همگان گسترده - باشد که از میان اَسمای صدگانه اش - او را به همین نام بستاییم،

آمین

t.me/DaneshSad

قلمرو زبانی: مطلق: بی شرط و قید/ خوان: سفره یا طَبَقی که در آن غذا می گذاشتند.

نکات دستوری: او: نهاد/ است: فعل اسنادی/ که: حرف ربط وابسته‌ساز/ مسند: جملهٔ «عادل مطلق است.» ← عادل: مسند، مطلق: صفت، است: فعل اسنادی/ و: حرف ربط هم‌پایه‌ساز/ خوان: مفعول/ عدل: مضاف‌الیه/ خود: مضاف‌الیه/ بر: حرف اضافه/ همگان: متمم/ گسترده [است] : فعل کمکی به قرینه معنایی حذف شده است./ باشد که (امید است): شبه جمله / از میانِ: حرف اضافه مرکب/ اسما: متمم/ صدگانه: صفت نسبی/ش: مضاف‌الیه/ او: مفعول/ همین: صفت اشاره/ نام: متمم/ بستاییم: مضارع التزامی/ آمین: شبه جمله/ ترکیب‌های اضافی: خوان عدل، عدل خود/ ترکیب‌های وصفی: عادل مطلق، اسمای صدگانه، همین نام

قلمرو ادبی: خوان عدل: اضافه تشبیهی / خوان عدل گستردن: عدالت ورزیدن. / عدل، عادل: جناس

قلمرو فکری: او عادلِ مطلق و بی قید و شرط است و عدالت خود را همه جا گسترانیده است. امید است که از بین نام های بی شمارش ، او را به صفت «عادل» ستایش کنیم. خدایا دعای ما را اجابت کن. (مفهوم: عدالت مطلق خداوند)

اگر فکر و حواسم این جهانی است - بهره ای والاتر ، از بهر من نیست - روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد - زیرا هر دم به تلاش است تا که فرا رود. .

قلمرو زبانی: معنای واژه‌ها: مبدل: دگرگون، تغییر داده شده

نکات دستوری: اگر: حرف ربط وابسته‌ساز/ فکر: نهاد/ و: واو عطف/ حواس: معطوف به نهاد/ م: مضاف‌الیه/ این جهانی: مسند/ است: فعل اسنادی/ بهره ای: نهاد/ والاتر: صفت/ از بهر (برای): حرف اضافه مرکب / من: متمم/ نیست (وجود ندارد): غیراسنادی/ روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد: خاک نتواند روح را به غبارش مبدل سازد← : خاک نهاد / نتواند (نمی تواند): مضارع اخباری/ روح: مفعول/ غبار: متمم/ ش: بدل برای روح / مبدل: مسند/ سازد (بسازد): مضارع التزامی – فعل اسنادی/ زیرا: حرف ربط وابسته‌ساز/ هر دم: قید/ به تلاش: گروه متممی در نقش مسند/ است: فعل اسنادی/ تا: زاید (حشو) / که: حرف ربط وابسته‌ساز/ فرا رود: فعل پیشوندی

قلمرو ادبی: فکر و حواسم: مجاز از کل وجود / این جهانی: زمینی، مادی/ بهر، بهره: جناس ناهمسان / دم: مجاز از لحظه / خاک : مجاز از جسم یا دنیا / است، نیست: جناس، تضاد/ غبار: استعاره از چیز بی ارزش.

قلمرو فکری: اگر فکر و توجه من به این جهان مادی باشد، بهره ای برتر از این جهان مادی نخواهم برد. مادیّات و دلبستگی های زمینی نمی‌تواند روح را نابود و بی ارزش کند. زیرا در تلاش است که از مادیات بگذرد و به عالم بالا برود.

(مفهوم : اشاره به ترک تعلقات دنیوی و ملکوتی بودن روح)

هر نفسی را دو نعمت است: - دم فرودادن و برآمدنش؛ - آن یکی مدحیات است، - این یکی مفرح ذات؛ - و چنین زیبا، زندگی در هم تنیده است و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج - و شُکر او کن به وقت رستن از رنج.

قلمرو زبانی: معنای واژه‌ها: مفرح: شادی بخش، نشاط آور / ممد: مدد کننده، یاری دهنده / رستن: نجات یافتن، رها شدن

نکات دستوری: هر نفسی را: «را» در معنای حرف اضافه «برای» ←برای هر نفس.. / دو: صفت شمارشی/ نعمت: نهاد/ فعل « است» غیراسنادی و به معنای «وجود داشتن» است./دوم فرودادن و برآمدنش : بدل برای دو نعمت/ آن یکی: نهاد/ ممد:

t.me/DaneshSad

مسند/ حیات: مضاف‌الیه/ است: فعل اسنادی/ این یکی: نهاد/ مفرح: مسند/ ذات: مضاف‌الیه/ حذف فعل [است] بعد از «ذات» به قرینه لفظی / چنین زیبا: قید/ زندگی: نهاد/ درهم تنیده: مسند/ است: فعل اسنادی /و: حرف ربط هم‌پایه ساز/ تو: نهاد/ شُکر: مفعول/ خدا: مضاف‌الیه/ کن: فعل امر/ هنگام: متمم/ رنج: مضاف‌الیه/ و: حرف ربط هم‌پایه ساز/ شُکر: مفعول/ او: مضاف‌الیه/ کن: فعل امر/ وقت: متمم/ رستن: مضاف‌الیه/ رنج: متمم .

*نکته: در جمله «زندگی در هم تنیده است» با تغییر جای ویرگول، نقش کلمات متفاوت خواهد بود:

زندگی در هم، تنیده است ← زندگی: نهاد/ در: حرف اضافه /هم: متمم/ تنیده است: زمان ماضی نقلی

قلمرو ادبی: فرو دادن، بر آمدن: تضاد / حیات، ذات: سجع / بخش اول الهام گرفته از مقدمه گلستان سعدی است: «هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب».

قلمرو فکری: در هر نَفَس انسان، دو نعمت وجود دارد: یکی هنگام فرودادن نَفَس(دم) و دیگری هنگام بیرون دادن آن (بازدم). فرودادن نَفَس یاری‌دهنده حیات(باعث ادامه زندگی) است و بیرون دادن آن، شادی بخشِ وجود است. زندگی نیز این گونه زیبا، به هم آمیخته است. تو خدا را در همه حال، چه در زمان سختی و چه زمان آسایش و راحتی شکر کن!

(مفهوم: شکرگزاری خداوند در هر شرایطی)

بگذار برپشت زین خود معتبر بمانم - تو در کلبه و خیمه خود بازبمان - بگذار که سرخوش و سرمست به دوردست ها روَم - و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم.

قلمرو زبانی: معنی واژه‌ها: معتبر: محترم، ارزشمند

نکات دستوری: بگذار: فعل امر/ برپشت: حرف اضافه/ زین: متمم/ خود: مضاف‌الیه/ معتبر: قید/ بمانم: مضارع التزامی/ تو: نهاد/ در: حرف اضافه/ کلبه: متمم/ و: حرف عطف/ خیمه: معطوف به متمم/ خود: مضاف‌الیه/ بازبمان: فعل پیشوندی/ بگذار: فعل امر/ که: حرف ربط وابسته‌ساز/ سرخوش: قید/ و: واو عطف/ سرمست: معطوف به قید/ دوردست ها: متمم/ روم (بروم): مضارع التزامی/ و: حرف ربط هم‌پایه ساز/ برفراز: حرف اضافه/ سر: متمم/ م: مضاف‌الیه/ هیچ: مفعول/ جز: حرف اضافه/ اختران: متمم / نبینم: مضارع التزامی.

قلمرو ادبی: زین: مجاز از اسب- نماد حرکت و سفر/ در پشت زین معتبرماندن: در اینجا کنایه از حرکت و سیر معنوی داشتن و پویا بودن/ در کلبه خویش ماندن: در اینجا کنایه از بی تحرکی و ساکن بودن/ به دور دست ها رفتن: کنایه از دوری زندگی مادی و تعلقات دنیوی

قلمرو ادبی: بگذار من با عزت و احترام به سوی اهداف متعالی خود بروم . تو در چارچوب زندگی روزمره و محدود خود بمان ؛ اجازه بده من با شادابی تا دورترین نقطه پرواز کنم و آزاد و رها باشم و تنها ستارگان را بالای سرم ببینم.

(مفهوم : دوری از زندگی مادی و سیر روح در آفاق)

او اختران را در آسمان نهاده - تا به بر و بحر نشانمان باشند - تا گمه به فرازها دوزیم - تا از این ره، لذت اندوزیم.

قلمرو زبانی: معنی واژه‌ها: بَر: خشکی، بیابان

نکات دستوری: او(خداوند): نهاد/ اختران: مفعول/ در: حرف اضافه/ آسمان: متمم / نهاده [است]: ماضی نقلی –فعل کمکی به قرینه معنایی حذف شده است./تا: حرف ربط وابسته‌ساز/ به: حرف اضافه/ بر: متمم/ و: واو عطف/ بحر: معطوف به

t.me/DaneshSad

متمم/ نشان: مسند/ مان (ما): مضاف‌الیه/ باشد: فعل اسنادی/ فرازها: متمم/ نگاه بدوزیم: فعل مرکب/ تا: حرف ربط وابسته‌ساز/ از: حرف اضافه/ این: صفت اشاره/ ره: متمم/ لذت: مفعول/ اندوزیم (بیندوزیم): مضارع التزامی

قلمرو ادبی: بر و بحر: مجاز از همهٔ جهان / نگاه دوختن: خیره شده، با دقت نگاه کردن / بر – بحر: جناس/ دوزیم – اندوزیم: سجع / این سخنِ گوته، به آیه ۹۷ سوره انعام، بسیار نزدیک است. در آن آیه شریفه آمده است: «اوست که ستارگان را برای رهیابی شما در تاریکی های بیابان و دریا قرار داده است.»

قلمرو فکری: خداوند ستارگان را در آسمان قرار داده تا ما در بیابان و دریا مسیرمان را پیدا کنیم. و با مشاهده و تامل در این پدیده ها لذت ببریم.

(مفهوم: دعوت به تفکر در نشانه های آفرینش)

کارگاه متن پژوهشی درس هجدهم

قلمرو زبانی

۱- کاربرد معنایی واژه «دم» را در متن درس بررسی کنید.

زیرا هر دم به تلاش است تا که فرا رود. - هرنفسی را دو نعمت است: دم فرودادن و برآمدنش

دَم: لحظه **دَم: نفس**

۲-در هر یک از گروه های اسمی زیر، هسته و وابسته های آن را مشخص کنید.

همین نام: **همین (صفت اشاره) – نام(هسته)**

اسمای صدگانه اش: **اسما: (هسته) – صدگانه (صفت نسبی) – اش (مضاف‌الیه)**

۳-بن ماضی و بن مضارع « رستن» را بنویسید.

بن ماضی: رَست **بن مضارع : رَه**

٤-برای هر یک از فعل های زیر، نمونه ای از متن درس بیابید.

مضارع اخباری(.....**نتواند(نمی تواند)**.....)

ماضی نقلی(.....**تنیده است**.....)

مضارع التزامی(.....**بمانم**.....)

قلمرو ادبی

۱-کدام بند از این سروده، بیانگر تأثیرپذیری «گوته» از گلستان سعدی است؟ دلیل خود را بنویسید.

بند چهارم (هرنفسی را دو نعمت است:-دم فرودادن و برآمدنش؛ - آن یکی ممد حیات است، - این یکی مفرح ذات)

دلیل: چون در دیباچه گلستان سعدی عبارتی دقیقا شبیه به این بند وجود دارد:

(هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب.)

t.me/DaneshSad

۲-با توجه به متن درس، جدول زیر را کامل کنید.

آرایه ادبی	نمونه	مفهوم
مجاز	دست	قدرت
کنایه	نگاه دوختن	خیره شدن

قلمرو فکری

۱-بند نخست درس، یادآور کدام صفات خداوند است؟ ➢ **مالک - قادر**

۲-گوته، شیفته و دلبسته شعر و اندیشه حافظ بود؛ او متن زیر را نیز به تأثیرپذیری از حافظ سروده است:

«مگر نه راهنمای ما هر شامگاهان با صدای دلکش، بیتی چند ازغزل های شورانگیز تو را می خواند تا اختران آسمان را بیدار کند و رهزنان کوه و دشت را بترساند؟»

الف)کدام قسمت از متن درس با سروده بالا ارتباط معنایی دارد؟

➢ **او اختران را در آسمان نهاده - تا به بر و بحر نشانمان باشند.**

ب)بیتی از حافظ بیابید که با سروده بالا مناسبت داشته باشد؟

➢ **در این شب سیاهم گم گشت ره مقصود از گوشه ای برون آ ای کوکب هدایت**

➢ **ز رقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را**

(نکته : در پاسخ به این سوال اختلاف نظر وجود دارد.)

۳-این بخش از سروده گوته، بیانگر چه دیدگاهی است؟

و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج / و شکر او کن، به وقت رستن از رنج.

➢ **گوته بر این باور است که انسان باید در همه حال، شکرگزار خدا باشد. این دیدگاه نشان‌دهنده ایمان و رضای او به خواست الهی است.**

٤-کدام بخش از سروده گوته، با متن زیر هم نواست؟

در کویر، بیرون از دیوار خانه، پشت حصار ده، دیگر هیچ نیست. صحرای بیکرانه عدم است ..... راه، تنها به سوی آسمان باز است. آسمان ،کشور سبز آرزوها، چشمه مواج و زلال نوازش ها، امیدها و.. (علی شریعتی)

➢ **بگذار که سرخوش و سرمست به دوردست ها روم / و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم.**

درک و دریافت (روان خوانی: آذرباد)

۱-این متن داستانی را از نظر زاوی دید بررسی کنید. **سوم شخص مفرد**

۲-کدام خصلت های درونی، عامل مهم در رشد و پیشرفت آذرباد بود؟

میل و اشتیاق شدید او به آموختن و متفاوت بودن

بقیه واژه‌های درس هجدهم + روخوانی

*ریشخند: تمسخر * مقید: گرفتار، بسته ، مقیّد

*شعف: خوشی، شادمانی * هلهله: سر و صدای همراه با شادی و شور و شوق، خروش

t.me/DaneshSad

نیایش

الهی ز عصیان مرا پاک کن در اعمال شایسته چالاک کن

قلمرو زبانی: معنی واژه‌ها: عصیان: نافرمانی، گناه، معصیت / چالاک: چابک، تند و فرز

نکات دستوری: الهی: شبه جمله/ ز: حرف اضافه/ عصیان: متمم/ من: مفعول/ پاک: مسند/ کن: فعل اسنادی/در: حرف اضافه/ اعمال: متمم/ شایسته: صفت/ چالاک: مسند/ کن: فعل اسنادی

قلمرو فکری: خدایا مرا از گناه و معصیت پاک گردان و در انجام اعمالِ شایسته، تند و چالاک کن.

(مفهوم: توبه و پاکی از گناه و شوق به انجام کارهای نیک)

به عصیان سراپای آلوده‌ام سراپا ز آلودگی پاک کن

قلمرو زبانی: نکات دستوری: به: حرف اضافه/ عصیان: متمم/ سراپا: قید/ آلوده: مسند /ام (هستم): مخفف فعل اسنادی/ سراپا[ی مرا]: مفعول/ ز: حرف اضافه/ آلودگی: متمم/ پاک: مسند/ کن: فعل اسنادی

قلمرو ادبی: سراپا: مجاز از کل وجود / واج‌آرایی«آ»/ آلودگی: استعاره از گناه/ آلوده- پاک: متضاد

قلمرو فکری: سراپای وجود من به گناه آلوده است، تو همه وجود مرا از گناه پاک کن.

(مفهوم: اعتراف به گناه و درخواست بخشش)

دلم را بده عزم بر بندگی نه چون بی غمانم هوسناک کن

قلمرو زبانی: معنی واژه‌ها: عزم: قصد

نکات دستوری: «را» به معنای حرف اضافه «به»: به دلم بده ← دل: متمم/ م: مضاف‌الیه/ بده: فعل امر/ عزم: مفعول/ بر: حرف اضافه/ بندگی: متمم/ نه: قید نفی/ چون: حرف اضافه/ بی غمان: متمم/ «م» در بی غمانم: مفعول/ هوسناک: مسند/ کن: فعل اسنادی

قلمرو ادبی: دل: مجاز از وجود/ تشبیه در مصراع دوم

قلمرو فکری: خدایا همّت بندگی خود را در دلم قرار بده و مرا مانند افرادی که به دنبال هوا و هوس می روند.

نگردان. (مفهوم: اراده و پایبندی به بندگی خدا و پرهیز از هوا و هوس)

به خاک درت گر نیارم سجود مکافات آن بر سرم خاک کن

قلمرو زبانی: معنی واژه‌ها: در: درگاه

نکات دستوری: به: حرف اضافه/ خاک: متمم/ در: مضاف‌الیه/ ت: مضاف‌الیه/ گر: حرف ربط وابسته‌ساز/ سجود نیارم: فعل مرکب/ مکافات: مفعول/ آن: مضاف‌الیه/ بر: حرف اضافه/ سر: متمم/ م: مضاف‌الیه/ خاک کن: فعل مرکب

قلمرو ادبی: سجده آوردن: کنایه از اظهار بندگی / بر سر خاک کردن: کنایه از بدبختی و بیچارگی، مجازات

قلمرو فکری: اگر من به درگاه تو سجده نکنم و اظهار بندگی نکنم، برای آن گناه مرا مجازات کن.

(مفهوم: لزوم اطاعت و بندگی خدا)

t.me/DaneshSad

نشاطی بده در عبادت مرا دل لشکر دیو غمناک کن

قلمرو زبانی: نکات دستوری: نشاطی: مفعول/ بده: فعل امر/ در: حرف اضافه/ عبادت: متمم / «را» در مرا: حرف اضافه «به» ← به من / من: متمم/ دل: مفعول/ لشکر: مضاف‌الیه/ دیو: مضاف‌الیه/ غمناک: مسند/ کن: فعل اسنادی

قلمرو ادبی: دیو: استعاره از شیطان

قلمرو فکری: خدایا در عبادت و بندگی آن چنان نشاطی به من بده که شیطان غمگین شود.

(مفهوم: شوق و نشاط در عبادت و مبارزه با وسوسه‌های شیطانی)

به حشرم بده نامه در دست راست ز هولم در آن روز بی باک کن

قلمرو زبانی: متن واژه‌ها: هول: ترس، هراس / حشر: قیامت، رستاخیز

نکات دستوری: به: حرف اضافه/ حشر: متمم/ (م: جهش ضمیر ← دست راستم : مضاف‌الیه)/ بده: فعل امر/ نامه: مفعول/ در: حرف اضافه/ دست: متمم/ راست: مضاف‌الیه/ ز: حرف اضافه/ هول: متمم/ م: مفعول ← در آن روز ز هول من را بی باک کن)/ در: حرف اضافه/ آن: صفت اشاره /روز: متمم/ بی باک: مسند/ کن: فعل اسنادی

قلمرو ادبی: نامه: مجاز از کارنامه اعمال/ نامه در دست راست دادن: کنایه از در زمره صالحان و خوبان بودن / تلمیح: مصراع اول اشاره دارد به آیه ۷ و ۸ سوره انشقاق: (امّا آن کس که (در آن روز) نامه اعمالش به دست راست دهند. آن کس بسیار حسابش آسان کنند.)

قلمرو فکری: خدایا در روز قیامت ، نامه اعمال مرا به دست راستم بده و مرا در مقابل ترس روز قیامت، ایمن گردان.

(مفهوم: امید به رستگاری در قیامت و نجات از هراس روز حساب)

***

@ahmadimehr_95

*منابعی که در تهیه و تدوین این درسنامه از آنها استفاده شده است:

- دیوان وحشی بافقی، مقدمه سعید نفیسی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- «برهان قاطع»، محمدبن حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان، به اهتمام محمد معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷.
- احمدی مهر، نصراله - بیات، زینب، «یافته های ادبی» تهران، انتشارات شاپرک سرخ، چ اول،۱۳۹۶.
- پیشوایی، مهدی، «خاتم سلیمان نبی(علیه السلام) افسانه یا واقعیت»، تاریخ در آیینه پژوهش، ۱۳۸٤، شماره ۷
- راهنمای معلم فارسی ۲
- جزوه گروه آموزشی ادبیات متوسطه دوره دوم استان آذربایجان غربی
- جزوه ادبیات کرمانشاه
- جزوه فارسی ۲- استاد ابراهیم رمضانعلی
- درسنامه فارسی ۲ -تالیف استاد ولی مسعودی
- درسنامه درس پنجم- استاد ابراهیم دهقان پور
- درسنامه نکته به نکته فارسی۲- دکتر منیژه فرجیان
- درسنامه دبیرخانه ادبیات مستقر در همدان
- درسنامه کتاب فارسی ۲ — گروه درسی ادبیات استان آذربایجان شرقی
- مجموعه سوالات امتحانات نهایی و شبه نهایی- استاد ولی مسعودی
- راهنمای عملی ارزشیابی دوره دوم متوسطه نظری
- تارنماها و کانال ها: آموزش زبان و ادبیات فارسی (دوره ی متوسطه) - تارانمای آقای سعید جعفری - شمیم ادب - سنگ صبور (فریاد بی صدا) - هشت اقلیم - ادب روز - کنکاش و پژوهش (ارائه نکات و مطالب آموزشی، ادبی و علمی) - تنور گرم شعر و ادب- - ادبیات - آموزش زبان فارسی- ویکی پدیا -کانال تلگرام دبیران ادبیات متوسطه دوم

و سپاس ویژه از همفکری و همراهی جناب سید مصطفی موسوی دبیر محترم ادبیات شهرستان رامشیر